داستان پیدایش هنرهای رزمی

ووشو، آمیخته با فرهنگ کهن مردم چین

علی رضایی

ووشو را باید ورزش سنتی چینی ها دانست که پس از گذشت چند هزار سال در سر تاسر دنیا و بویژه ایران طرفداران خاص خود را دارد. مردم عامه چین از ووشو به نام کونگ فو هم یاد می کنند. این هنر رزمی مثل بیشتر رشته های دیگر رزمی دارای سبک های بسیاری است. جالب این که جملگی از طبیعت اقتباس گرفته اند و افزون بر افزایش قوای جسمانی و دفاعی از نظر روحی نیز تأثیرات شگرف دارند. دکتر یانگ مینگ جینگ معتقد است آغاز هنرهای رزمی چین به سال ها قبل از میلاد برمی گردد. تکنیک های رزمی نیز به هنگام درگیری بین بشر و حیوانات یا دیگر قبیله های بشری کشف شدند. در این میادین جنگی تجارب و تکنیک ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و با اختراع سلاح ها هر روز شکل جدیدی از آن به بازار آمد. این پروسه ادامه داشت تا این که فلز کشف شد. با اختراع فلز تکنیک های جنگی جدیدی هم به وجود آمد. مدارس گوناگون ورزشی و سبک های مختلف یکی پس از دیگری از راه رسیدند. بسیاری از این مدارس سبک های خود را با استفاده از تکنیک های جنگ میان حیوانات مثل ببر، مار، خرس، میمون و پلنگ یا پرندگانی چون عقاب اقتباس گرفتند. علت تقلید از حیوان ها این بود که مردم معتقد بودند حیوانات برای زنده ماندن و جنگ با طبیعت از مهارت ها و استعدادهای ذاتی بهره می گیرند. دکتر یانگ براین باور است که هنر رزمی امروزه دیگر برای جنگیدن خوب نیست و مثل گذشته ها برای دفاع از خود به کار نمی رود. با وجود این می توان با هنرهای رزمی منظم تر شد، فهم خود را از زندگی بالا برد و برای رسیدن به یک روحیه بهتر با آموزش این ورزش سلامت فکری خوبی داشت.

پیدایش ووشو

چینی ها چند هزار سال پیش که اجتماعات بشری در نقاط مختلف گیتی پراکنده بودند حرکاتی را ابداع کردند که با آن به دنبال سلامت، درمان بیماری، افزایش طول عمر و مهارت های نظامی خود بودند. این فنون بعدها پیشرفت قابل توجهی کرد و به «ووشو» امروزی تبدیل شد. حدود نیم قرن قبل از میلاد یک راهب هندی به نام «تامو» راهی چین شد تا به ترویج مذهب مورد علاقه اش بپردازد. تعلیمات تامو که از قوانین خشک و مذهبی خو می گرفتند به قدری طاقت فرسا بود که پیروان وی هر روز ضعیف تر می شدند و تحمل آموزش های وی را نداشتند. این راهب هندی برای تقویت جسمانی شاگردانش حرکاتی را ابداع کرد که بعدها بسط یافتند و پایه و اساس سبک های مختلف ووشو را تشکیل دادند. حدود قرن های ۱۴ تا ۱۶ میلادی بود که سبک های اصلی ووشو به وجود آمدند. آن هم به تقلید از حرکات حیوانات. چهره های برجسته ورزش های رزمی که در معبد شائولین گرد هم می آمدند در این راه کوشش بسیار داشتند اما امپراتور وقت چین که از فعالیت های این معبد ترس زیادی داشت و آن را خطر بزرگی برای خانواده سلطنتی می پنداشت فرمان آتش زدن معبد را صادر کرد. لشگر بزرگی برای انهدام شائولین به کار گرفته شد و تنها افراد معدودی توانستند از این واقعه جان سالم به در ببرند. این افراد که پراکنده شدند و به نقاط مختلف چین گریختند به آموزش و گسترش ورزش رزمی معبد شائولین پرداختند. این برای نخستین بار بود که راز معبد فاش می شد.

در سرزمین پهناور چین فرمانروایانی بودند که ورزش های رزمی را خطری بزرگ برای خود می دانستند و انجام کار آن را ممنوع کردند اما بودند حمکرانانی که خود از انجام آن لذت می بردند. براساس نوشته های تاریخی در دوران سلسله های شانگ و ژو سربازان برای افزایش مهارت های خود حرکات ووشو را انجام می دادند. همه ساله نیز در فصول بهار و پائیز مسابقه های کشتی خاصی به نام «جیائو» برگزار می شد تا از این طریق سربازان نمونه انتخاب شوند. رفته رفته حرکات با شمشیر هم به فنون قبلی افزوده شد و با ظهور گروه های نمایش خیابانی «لوکی» این ورزش گسترش زیادی پیدا کرد.

شکوفایی ووشو

مورخان بهترین دوران شکوفایی ووشو را میان سال های ۱۹۱۲ تا ۱۹۴۹ که دوران سلطنت سلسله های کینگ و مینگ بود می دانند. در این سال ها انجمن های بسیاری برای ووشو در چین تشکیل شد. در سال ۱۹۲۸ بود که انستیتو مرکزی ووشو به وسیله دولت جمهوری در نان جینگ به وجود آمد و در سال ۱۹۳۸ نخستین تیم ملی چین در المپیک برلین یک مراسم نمایشی اجرا کردند. ووشو با به وجود آمدن جمهوری خلق چین به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی چینی ها درآمد. درسال ۱۹۵۶ بود که انجمن ووشو چین در پکن تشکیل شد و با گسترش حرکاتی مانند فرم ساده تای چی چوان، چانگ چوان، حرکت شمشیر پهن و باریک، نیزه و چوب در سطح مبتدی، متوسط و عالی کمک شایانی به همگانی شدن این هنر رزمی کرد. دو سال بعد هم نخستین قوانین ووشو تنظیم شد و با هدایت کمیسیون ورزش و تربیت بدنی ایالتی و انجمن ووشو چین، اتحادیه ها، انجمن ها، مدارس ووشو، انجمن های تحقیقاتی، تیم های حرفه ای و آماتوری تشکیل شدند که شبکه عظیمی از فعالیت های جمعی این رشته را شامل می شد. حتی تیم ها و انجمن های ووشو در برخی از کالج ها تشکیل شدند و برخی از مؤسسات پا را فراتر نهادند رشته تخصصی ووشو را برای دانشجویان رشته های لیسانس و فوق لیسانس دایر کردند. تا این که در سال ۱۹۸۴ درجه استادی ووشو به وسیله مجلس ایالتی تعیین شد. با تصویب دولت چین در سال ۱۹۸۶ انستیتو تحقیقات ووشو چین به عنوان عالی ترین مرجع، هدایت تحقیقات فنی و آکادمیک در این رشته را عهده دار شد. چینی ها که دوست داشتند این ورزش سنتی خود را به جهانیان معرفی کنند تورنمنت های فراوانی را برپا کردند و در سال ۱۹۸۷ نیز نخستین دوره مسابقه های آسیایی این رشته رزمی را در یوکوهاما ژاپن برگزار کردند. همزمان فدراسیون آسیایی ووشو (WFA) تأسیس شد. هنگ کنگی ها در سال ۱۹۸۹ م میزبان دومین دوره رقابت های قهرمانی آسیا شدند. در سال ۱۹۹۰ که چین میزبان بازی های آسیایی را برعهده داشت ووشو رسماً به عنوان یک رشته بین المللی معرفی شد. فدراسیون جهانی این رشته IWUF نام دارد که نخستین دوره رقابت های زیرپوشش خود را در سال ۱۹۹۱ برگزار کرد.

تفاوت سبک ها

چینی ها با توجه به گستردگی سرزمین شان حرکات ووشو را در نواحی مختلف با سبک های خاصی پی گرفته اند. سایت تای چی چوان در این باره می نویسد: رشد و گسترش ووشو در نقاط مختلف چین تحت تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی قرار گرفته و بسته به شرایط اقلیمی تکنیک های مختلفی را بسط وپرورش داده است که در اصطلاح به سبک های شمالی و جنوبی معروف شده اند.

وقتی به مطالعه علت نامگذاری این سبک ها می پردازیم به نکته های جالب توجهی می رسیم. این که چقدر ووشو با زندگی مردان این دیار عجین شده است. سرزمین های شمالی چین بیشتر به صورت جلگه و دشت های وسیع است و مردم این سرزمین ها امکان اجرای حرکاتی باز همراه با دویدن، پرش، جهش، معلق زدن و ... را دارند. بنابراین تکنیک ها و سبک هایی که در این مناطق رشد کرده اند دارای ویژگی هایی چون حرکات باز، سریع، چابک و پر قدرت، ضربات بلند دست و پا و ... هستند. حرکات متعدد با سلاح های کوتاه و بلند هم در این مناطق رشد کردند. از مهم ترین سبک های شمالی ورزش ووشو باید به چانگ چوان اشاره کرد.

به جنوب چین که سفر کنیم با شرایط متفاوتی مواجه خواهیم شد. رودخانه ها، کوهستان ها، جنگل ها و مرداب ها و ناهمواری ها این مناطق را دربر گرفته اند. ویژگی های حرکات این سرزمین ها حرکات سریع، اعمال قدرت، استقرارهای محکم و استوار و موضع گیری های خوب بدن در واکنش به حملات مختلف از هر سو، ضربات بسیار فشرده و سریع و انفجاری، ضربات و مشت های کوتاه و فریادهای بلند را شامل می شود. بی جهت نیست که مردمان این مناطق با چنین حرکاتی خو گرفته اند. اغلب آنها صیاد و ماهیگیر هستند و کمتر به دویدن نیاز دارند. نانچوان از مهم ترین سبک های جنوب چین است.

حرکات ووشو به طور معمول با استفاده از قدرت عضلات و مفاصل و نیز نیروی تنفس و تمرکز قوای ذهنی انجام می گیرد. سیستم های سخت و نرم که سبک های وی چیا و نی چیا را شامل می شوند به طور معمول در سیستم های سخت از تکنیک هایی مثل مشت زدن، لگد زدن، پرتاب کردن، غلبه کردن، تسلیم شدن و حرکات یورش براساس قدرت و نیز اعمال نیروهای ماهیچه ای، افت و خیزهای تند و خشن است اما در سیستم های نرم چنین چیزی مشاهده نمی شود. از دیدگاه حرکتی تمرین های ووشو به چند بخش تقسیم می شود. در بخش فرم که با سلاح یا دست خالی و مبارزات گروهی هستند مشت زدن، لگد زدن، پرتاب کردن، غلبه کردن و تسلیم شدن وجود دارد. قسمت دست خالی ووشو نیز شامل همه هنرهای رزمی اعم از چانگ چوان، تاس چی چوان، نان چوان، پاکواژان، باجی چوان، شائولین چوان، چو جیائو چوان، ویتنگ چوان، ژیانگ ژی چوان است. سومین بخش تمرین با سلاح ووشو است شمشیر پهن و باریک، سلاح های بلند مثل نیزه، چوب، سلاح های دوتایی مثل جفت، شمشیر پهن و سلاح های انعطاف پذیر مثل شلاق ۹ تکه و چوب ۳ تکه در این قسمت به کار گرفته می شوند. مبارزه گروهی مسلحانه و مبارزه آزاد (سان شو) از دیگر قسمت های تمرینات ووشو است.

نفوذ ووشو به ایران

حسین داودی پناه (داداشی) که از پرسابقه ترین اساتید کونگ فو توآ در ایران است و مطالعات زیادی پیرامون هنرهای رزمی داشته است به عنوان پایه گذار ووشو در ایران شناخته می شود. در سال ۱۳۶۶ بود که اداره کل تربیت بدنی تهران به پیشنهاد داداشی برای راه اندازی ووشو پاسخ مثبت داد و این رشته با عنوان «تای چی چوان» و دفاع شخصی مجوز فعالیت گرفت. دو سال بعد نیز با تأیید سازمان تربیت بدنی انجمن تای چی چوان تأسیس شد و بعدها نام آن به انجمن ووشو تغییر یافت. پس از تشکیل فدراسیون جهانی ووشو در سال ۱۳۷۰ و با تلاش های کمیته ملی المپیک، ایران به عضویت این فدراسیون بین المللی درآمد و در سال ۷۱ نیز به جمع اعضای کنفدراسیون آسیا پیوست. در همین سال داودی پناه مدال طلای فستیوال بزرگ جهانی ووشو در چین را کسب کرد. فدراسیون ووشو در ایران برای نخستین بار به ریاست بهزاد کتیرایی در سال ۱۳۸۳ تأسیس شد.

جهان فوتبال

«پری والووا» المپیک پکن را نشانه گرفته است

بازگشت دونده طلایی روسیه

«ایرینا پری والووا» دونده مشهور سابق روسیه و دارنده مدال طلای المپیک ۲۰۰۰م سیدنی، پس از ۷ سال دوری از میدان تمریناتش را از سر گرفته است تا در المپیک ۲۰۰۸، در شهر پکن به میدان آید و یک بار دیگر بختش را برای کسب مدال مهم ترین جشنواره ورزشی دنیا بیازماید.

پری والووا سال ها پیش ابتدا در «دو»های ۱۰۰ و ۲۰۰ متر زنان مطرح و صاحب عنوان و ۳ مدال طلای اروپا شد. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰م در اوج قدرتش قرار گرفت، وی در یک اقدام غیرمنتظره به ماده ۴۰۰ متر با مانع زنان کوچ کرد و از آن هم غیرمترقبه تر آن که مدال زرین این رشته را در سیدنی تصاحب کرد و آن هم در حالی که این ماده در گذشته هرگز از تخصص های او محسوب نمی شد. جالب تر این که او تا قبل از برگزاری المپیک مذکور در استرالیا تنها در ۷ مسابقه «دو»ی ۴۰۰ متر با مانع شرکت کرده بود.

با این حال پری والووا پس از آن حاشیه نشین شد ومصدومیت ها و همچنین باردار شدن و به دنیا آوردن دو فرزند وقتی را برای او باقی نگذاشت و سبب شد او به کلی اعلام بازنشستگی کند، او در المپیک ۲۰۰۴م در آتن نیز غایب بود، اما حالا تصمیم گرفته است که تابستان سال بعد در پکن به میدان آید.

ولادیمیر پاراسچوک همسر و مدیر برنامه های پری والووا به نشریات روسی گفته است: «ایرینا کاملاً رو به راه شده و دیگر مصدومیت خاص و مزمنی ندارد و بنابراین چندهفته ای است که تمرین می کند. نمی خواهیم قضاوت زودهنگامی داشته باشیم و یاریسک کنیم. در نتیجه ریتم تمرینات او را طوری تعیین کرده ایم که آسیب مجددی نبیند؛ شدت تمرینات فعلی او نیز به ۱۰۰ درصد نمی رسد، اما ظرف دو یا ۳ ماه بعدی به این مرحله نیز خواهیم رسید.»

تحول دیگر در ارتباط با پری والووا این است که او در بازگشت اش به میدان، دوباره در مواد ۱۰۰ و ۲۰۰ متر شرکت خواهد کرد و آن حضور موفق و عجیبش در سال ۱۹۸۰ در ۴۰۰ متر با مانع، باز نخواهد گشت.

وی سابقه کسب مدال طلای مسابقات جهانی دو ومیدانی ۱۹۹۳م در اشتوتگارت آلمان در ماده ۴x۱۰۰ متر امدادی زنان را هم دارد.

تعریف مک انرو از تنیسور جوان اسکاتلندی

نگاه «موری» به رولان گاروس

اندی موری تنیسور سرشناس و ۲۱ ساله اسکاتلندی در همان دور اول مسابقات تنیس اوپن ایتالیا که اوایل هفته پیش در رم شروع شد و امشب (یکشنبه شب) با معرفی فرد فاتح پایان می گیرد، مغلوب ژیل سیمون فرانسوی و حذف شد، اما جان مک انرو تنیسور معروف و بازنشسته آمریکایی که در سال های گذشته در سری تورنمنت های ویژه مسن های تنیس شرکت دارد، مدعی است که موری می تواند بر روی زمین های خاکی (Clay)

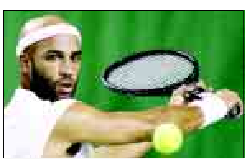

هم که پیکارهای رم روی آن برپا شده است و دیگر تورنمنت های clay بدرخشد و کار خوبش منحصر به زمین های هاردکورت نخواهد شد.

اگر موری بلند قد و قدرتی وارد جمع ۱۰ تنیسور برتر دنیا شده و چنین جایگاهی را در جدول «ATP» برای خود جور کرده، در درجه اول به خاطر نمایش های خوب و نتایج مثبت اش در مسابقات بر روی هاردکورت و زمین های چمن بوده و به نشانه آن او در طول سال ۲۰۰۶ نیز تنها ۴ دیدار بر روی clay را به نفع خود پایان داد و با این وجود مک انرو که خودش هیچ گاه مهم ترین تورنمنت زمین های خاکی یعنی اوپن فرانسه را نبرد، می گوید: «بدیهی است که کار برای موری روی زمین های خاکی چندان راحت نباشد، اما باور من این است که او در درازمدت در این زمین ها هم جای پای خود را خواهد یافت و اینجا هم شروع به درخشش خواهد کرد و می تواند به این موضوع نگاه امیدوارانه ای داشته باشد.

این را در نظر داشته باشید که وی به لحاظ جسمانی تقویت شده و مقاومت بیشتری در قیاس با گذشته دارد و تنوع بازی اش نیز فزون تر از سابق است و با این که بریتانیا مهد بازی بر روی چمن است، بخشی عمده از زندگی موری در خردسالی و ابتدای نوجوانی اش، روی زمین های خاکی گذشته و در نتیجه با این نوع زمین ها بسیار آشنا است و کیفیات آن را می شناسد. همچنین این را هم قبول دارم که افراد زیادی هستند که متخصصان درجه اول در بازی بر روی زمین های خاکی محسوب می شوند و کارایی بیشتری از موری روی این نوع زمین ها و سطوح دارند. کاری که موری در تقابل با این گونه افراد باید انجام بدهد، تغییر سریع وضع خود و هماهنگ شدن با خصوصیات clay در همین روزها و زمان رواج تورنمنت های خاکی و تغییر دادن سرعت و ریتم ضرباتش بر روی آن است. اگر او این کار را بکند و تمرینات فزون تری داشته باشد در واقع می تواند در دو سه هفته پیش رو خبر سازی کند و حتی در رولان گاروس (اوپن فرانسه) تا یک هشتم نهایی و یکچهارم نهایی هم به پیش بتازد.»

چلسی این بار کم آورد

موری نیو؛ مرد بدون آینده

چلسی شنبه شب هفته آینده (۲۹ اردیبهشت) در بازی فینال جام حذفی فوتبال انگلیس روبه روی حریف بزرگش منچستر یونایتد قرار می گیرد، اما حتی اگر این جام را ببرد و آن را ضمیمه جام اتحادیه این کشور کند که در دهه اول اسفند ۸۵ با پیروزی بر ارسنال در یک دیدار فینال انفجاری بدست آورده بود، امکان بر کناری خوزه موری نیو از مربیگری این تیم وجود دارد و این امکان و احتمال، کم نیز نیست.

رومن آبراموویچ مالک میلیاردر و روسی چلسی فقط فتح لیگ برتر انگلیس و یا جام قهرمانان باشگاه های اروپا را سندی بر توفیق تیم خود و مربی آن می داند و به دو جامی که گفتیم، دل خوش نخواهد کرد. با این که احتمال دارد آبی پوشان شهر لندن حتی جام حذفی انگلیس را هم به منچستر واگذار کنند و همین تیم بود که پس از دو سال زندگی زیر سایه وسیع چلسی عنوان اولی لیگ را از چنگ موری نیو و شاگردانش درآورد. در جام قهرمانان اروپا هم چلسی یک بار دیگر در نیمه نهایی به دست لیورپول حذف شد و ناکامی مکرر در این جام چیزی نیست که آبراموویچ چشم بر آن ببندد.

وصال روحانی

اختلاف رئیس و مربی

بدتر از همه این که همگان می دانند امسال اختلاف میان موری نیو و آبراموویچ زیاد بوده و این دو ماه ها با یکدیگر صحبت نکرده اند و تک دیدارهای آنان با هم نیز ملاقات هایی نادر و توأم با اکراه بوده است و طبیعت محکم و مغرور موری نیو و این که او اهل باج دادن نیست و اجازه دخالت در کارهای فنی تیم را به هیچ کس و از جمله به مالک باشگاه نمی دهد، مزید بر علت شده است و آبراموویچ هم مثل هر مالک ورئیس دیگری مربی ای را می پسندد که برخلاف موری نیو مستقل و قدرتمند نباشد و گوش به فرامین او بسپرد.

سپس باید به مسأله خرید جنجالی آندری شوچنکو مهاجم نامدار اما رنگ باخته اوکراینی در تابستان سال پیش اشاره کنیم. چیزی که موری نیو خواهان آن نبود و انتقال وی به درخواست و اصرار آبراموویچ صورت پذیرفت. شوا در استمفورد بریج حتی سایه ای از مهاجم گلزن و چشمگیر میلان نشان نداده و استفاده اجباری از وی به قیمت حذف یک نام دیگر از ترکیب چلسی در فصلی تمام شده که مصدومیت های مکرر و شدید برخی مهره های کلیدی تیم در آن، از کارایی های تیم موری نیو کاسته و فشار شدیدی را به آن وارد کرده است.

بدون مدافع وسط

وقتی همین مصدومیت ها در اواسط فصل اوج گرفت و مربی سابق پورتو بجز ریکاردو کاروالیو هیچ مدافع وسط دیگری را در خدمت نداشت و از آبراموویچ خواست پول خرید اضطراری یک مدافع دیگر را در اختیار وی بگذارد، او نپذیرفت و این کار را به توصیه کسانی انجام داد که دور و بر وی را گرفته اند و مخالف موری نیو هستند و از هر رویدادی که تضعیف کننده و درنهایت عامل برکناری وی شود، استقبال می کنند.

جانشینان غیر تخصصی

این چنین بود که موری نیو مجبور شد از افرادی دیگر در پست مدافع وسط سودجوید که بازیگران تخصصی این پست نیستند و به طبع از این بابت هم لطماتی به تیم وارد شد و در همین مقطع و در غیاب جان تری مصدوم و درحالی که قرار بود مایکل اسی ین غنایی جای او را در پست مدافع وسط پر کند، چلسی گل های زیاد و بدی خورد و یکی از دلایل اصلی از دست رفتن عنوان قهرمانی لیگ برتر انگلیس همین مسائل بود. با این حال موری نیو می گوید: «این را می دانستم که سرانجام روزی این مقام (عنوان قهرمانی لیگ انگلیس) را از دست خواهم داد و این اتفاق سرانجام افتاد. اما حالا هم نمی توانم و نباید خودم و یا شاگردانم را متهم به کم کاری و یا هر ایراد و کاستی دیگری کنم.

گاهی وقتی می بازید به این خاطر است که هرچه داشته اید، ارائه نکرده اید، اما در مورد ما وضع برعکس است. ما به واقع در این فصل بیشتر از دو فصل گذشته که قهرمان شده بودیم، کوشش کردیم. تیم ما سرشار از قهرمانان و افراد بزرگ است و اگر یک یا دو جام را از دست دادید. به این معنا نیست که شما یک گروه شکست خورده هستید. یک تیم برنده و بزرگ همیشه این خصلت را برای خود حفظ می کند و مسائلی از این دست در وجود و روحیات افراد ما مستقر و موجود است.»

بیشتر از گذشته

موری نیو که تیمش در ۳ سال حضور او در لندن برنده ۴ جام شده، می افزاید: «همیشه و حتی وقتی برنده می شوید، این آینده است که بیشتر از گذشته اهمیت دارد، ولی در روزهای باخت این مسائل مهم تر می شود و در چنان شرایطی باید بیشتر و بهتر به آینده نگاه کنید، زیرا راه جبران شکست ها ساختن تیمی است که بتواند در آینده جبران مافات کند.»

اما ممکن است آبراموویچ آینده ای را برای موری نیو لااقل در چلسی باقی نگذارد و استدلال او این است که تابستان سال پیش نیز نفرات جدید تازه و قدرتمندی را در اختیار او گذاشت، اما موری نیو نتوانسته است با استفاده از آنها جام های بزرگ و تازه ای را به استمفورد بریج بیاورد و اکتفا به جام اتحادیه انگلیس نمی تواند وسیله و ابراز حقانیت یک مربی در چلسی به حساب آید. با این حال شوا و همچنین میشاییل بالاک و خالدبوالهروز که از این طریق در تابستان ۲۰۰۶م جذب چلسی شدند، نه تنها بر توان تیم اضافه نکردند، بلکه ندرخشیدند و به سبب حقوق کلانی که در چلسی می گرفته اند، نارضایتی و حسادت کسانی را که دراستمفورد بریج کمتر از آنها حقوق می گرفتند اما مؤثرتر از آنان عمل کرده اند، برانگیختند. در چنین فضایی «دیدیه دروگبا»ی ساحل عاجی به ستاره اول چلسی بدل شد، حال آن که شوا با همین قصد و هدف خریداری شده و به جمع نفرات چلسی اضافه گشته بود و بالاک هم حتی نیمی از خدماتی را که به بایرن مونیخ ارزانی داشته بود، به چلسی ارائه نکرده است. هواداران چلسی نیز از این نامداران راضی نبوده اند و همین مسائل بر تضادهای داخلی در باشگاه افزوده است.

احساسات متفاوت

چهارشنبه شب گذشته که چلسی و منچستر یونایتد در یک بازی بی تأثیر از لیگ برتر انگلیس در استمفورد بریج روبه روی هم ایستادند، این نارضایتی ها بیشتر نمود یافت، زیرا شاگردان موری نیو مجبور شدند طبق رسم و سنت جاری در فوتبال انگلیس، مقدم تیمی را که تازه چند روز از قطعیت قهرمانی اش در لیگ این کشور می گذشت، پذیرا باشند. هواداران شادمان منچستر هم به لندن آمده بودند و تقابل حالت آنها با وضع غمگین طرفداران چلسی، به قطع می توانست بر سردی روابط آبراموویچ و موری نیو بیفزاید.

مربی پرتغالی که پس از تساوی ۱-۱ اوایل هفته پیش تیمش با ارسنال، از دست رفتن عنوان قهرمانی خود در لیگ انگلیس را قطعی یافت و در پایان بازی وارد زمین شد و جان تری و فرانک لمپارد بارزترین عناصر تیمش را در آغوش گرفت و به آنها دلداری داد، می گوید: «ما هر کاری از دست مان در شرایط موجود برمی آمد، انجام دادیم ولی متأسفانه آن چه می خواستیم، جور و فراهم نشد. اگر به فینال جام قهرمانان باشگاه های اروپا می رسیدیم، اوضاع فرق می کرد و اگر ارسنال را می بردیم و

> مربی پرتغالی چلسی: ما یک تیم بازنده نیستیم زیرا هرچه توان داشتیم ارائه کردیم و از فصول قبلی هم پرتلاش تر بودیم

رقابت ما با یونایتد بر سر قهرمانی لیگ داخلی قدری طولانی تر می شد، برایمان بهتر بود. با این حال ایرادی ندارد. ما برای فصل بعدی خود را مهیا خواهیم کرد. بنابراین باید از روز شروع تمرینات فصل جدید (۱۶ تیر) بسیار سفت و سخت و دقیق به سوی هدف به حرکت درآییم.»

بسیار محتمل

با این حال همان طور که پیش از این هم گفتیم مشخص و قطعی نیست که آبراموویچ آینده ای را برای موری نیو در استمفورد بریج باقی بگذارد. این مربی پس از قهرمان کردن «پورتو»ی کوچک وپرتغالی در جام باشگاه های اروپای ۲۰۰۴م از سوی آبراموویچ شکار و به لندن منتقل و در چلسی جانشین کلودیو رانیه ری ایتالیایی شد. موری نیو توانست بی درنگ به ۵۰ سال صبر هواداران چلسی برای کسب عنوان قهرمانی لیگ انگلیس پایان بخشد و این مقام را نه یک بار بلکه دو مرتبه متوالی هم کسب کند، اما ناکامی امسال او در ستیز با یونایتد و تداوم بیشتری که منچستر در جمع آوری امتیازات داشت و همچنین فتح نشدن جام قهرمانان اروپا و تسلیم شدن مجدد در برابر شاگردان رافابنیتس (لیورپول)، کام ها را در لندن تلخ کرده و همین مسأله است که جدایی موری نیو از چلسی را بسیار محتمل ساخته است. حتی با این که او تا سال ۲۰۱۰م با چلسی قرارداد دارد و تصریح و تأکید هم کرده است که زودتر از آن تاریخ خیال رفتن از لندن را ندارد.

منبع: Times